



مشیت علایی از وضعیت نقد ادبی در ایران می گوید

رویکرد منتقدان دانشگاهی محافظه کارانه است



مشیت علایی، متولد ۱۳۲۸، منتقد ادبی، مترجم و پژوهشگر برجسته ایرانی است که با آثارش در حوزه نقد ادبی و زیبایی شناسی تأثیری عمیق بر ادبیات معاصر ایران گذاشته است. او، با مدرک کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران، نقد را با نظریه های مدرن پیوند زده و به تحلیل آثار ادبی با رویکردی علمی پرداخته است. از آثار مهم او می توان به تألیف «زیبایی شناسی و نقد»، «شکل های زندگی» و «جستارهایی در زیبایی شناسی»، و سربوراستاری «دانشنامه زیبایی شناسی» اشاره کرد که منابع ارزشمندی برای پژوهشگران ادبیات هستند. علایی، در نقدهای خود، بر اهمیت بررسی آثار از منظر اجتماعی و تاریخی تأکید دارد و معتقد است که ادبیات، فراتر از جنبه های زیبایی شناختی، نقش مهمی در تقویت یا تضعیف نیروهای اجتماعی ایفا می کند. آنچه در ادامه می آید گزیده ای است از گفت وگوی «ایبنا» با او درباره وضعیت نقد ادبی در ایران.

● نقد ادبی در ایران با چه موانع ساختاری و فرهنگی ای مواجه است؟ چگونه می توان، با شناسایی این چالش ها، راهکارهایی برای بهبود جایگاه نقد ادبی در فضای دانشگاهی و غیردانشگاهی ارائه داد تا به تحلیل عمیق تر آثار ادبی منجر شود؟

نقد ادبی، به عنوان مقوله ای جدی در حوزه ادبیات، در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. وضعیت کنونی نقد ادبی چندان درخشان نیست، اما نشانه هایی از امیدواری دیده می شود که می توان آن را «نقد خوب» نامید. نقد ادبی از شرایط دهه ۴۰ شمسی، که به دلیل اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک به حاشیه رانده شده بود، فاصله گرفته است. بااین حال، نقد دانشگاهی، به دلیل رویکرد محافظه کارانه و ضعف در تحلیل عمیق، شایسته عنوان «نقد» نیست. این نقد بیشتر به تفسیر متون، توضیح معانی لغات و ارائه دیدگاه های کلی اخلاقی محدود می شود و، به دلیل ترس از نقد صریح، از نظریه های ادبی فاصله گرفته است.

● کدام جریان های نقد ادبی در ایران شکل گرفته اند و چگونه این جریان ها توانسته اند بر تحلیل آثار کلاسیک و مدرن ادبیات فارسی تأثیر بگذارند، به ویژه در مقایسه با محدودیت های نقد دانشگاهی و غیردانشگاهی در مواجهه با متون ادبی؟

نقد خارج از فضای دانشگاهی نیز با چالش هایی مواجه است. این نوع نقد، به دلیل وابستگی به ساختارهای قدرت و فقدان استقلال، نمی تواند نقش خود را به طور کامل ایفا کند. منتقدان، اغلب، از نقد صریح آثار کلاسیک ادبیات فارسی، مانند آثار سعدی، مولوی، خیام و فردوسی، پرهیز می کنند، و این شاعران به مثابه بت هایی غیرقابل نقد تلقی می شوند، در نتیجه، نقد به تفسیر و تحسین محدود می شود. در چهار دهه اخیر، رشته هایی مانند ادبیات انگلیسی و فرانسه در دانشگاه های ادبیات تا حدی به نقد مدرن نزدیک شده اند، اما محققان برجسته همچنان در نقد آثار مدرن، مانند آثار نیما یوشیج، شاملو یا فروغ فرخزاد، محافظه کارانه عمل می کنند. این محدودیت ها مانع از جایگاه یابی شایسته نقد دانشگاهی در تحلیل ادبیات معاصر شده است.

● چرا ایران نتوانسته نظریه ادبی بومی ارائه دهد و چه موانعی بر سر راه آن وجود دارد؟ به عبارت دیگر، چه عوامل تاریخی، فرهنگی و ساختاری ای مانع از توسعه نظریه های ادبی بومی در ایران شده اند و چگونه می توان، با تکیه بر میراث ادبی غنی ایران، رویکردهایی نوین برای نقد ادبی خلق کرد که مستقل از نظریه های غربی باشد؟

نقد ادبی در ایران، اغلب تحت تأثیر نظریه های غربی شکل گرفته و کمتر توانسته نظریه بومی ارائه دهد. از دوره مشروطه، که نقطه عطفی در تاریخ ادبیات ایران محسوب می شود، نقد به تدریج وارد فضای ادبی شد. چهره هایی مانند آخوندزاده، طالبوف و مراغه ای از پیشگامان این حوزه بودند. بااین حال، پس از شکست مشروطه، نگاه انتقادی تضعیف و نقد ادبی به تفسیر و بلاغت محدود شد. در دوره معاصر، جریان های نقد فرمالیستی، جامعه شناختی، روان کاوانه، اسطوره ای و مارکسیستی شکل گرفته اند که عمدتاً از ترجمه آثار غربی نشئت گرفته اند. چهره هایی مانند فاطمه سیاح، محمدتقی بهار و شفیع ذککلی در توسعه این جریان ها نقش داشته اند. اما ۹۰ درصد نقد ادبی در ایران به اقتباس از نظریه های غربی وابسته است.

● چگونه می توان نوع نقد مناسب برای یک متن ادبی را با توجه به ساختار و محتوای آن تعیین کرد و چه محدودیت هایی در اعمال رویکردهای مختلف نقد، مانند روان کاوانه یا اجتماعی-تاریخی، بر متون ادبی کلاسیک و مدرن وجود دارد؟

هر متنی لزوماً برای هر نوع نقدی مناسب نیست. متون غنی امکان تحلیل از زوایای مختلف (فرمالیستی، جامعه شناختی، روان کاوانه و غیره) را فراهم می کنند. اما برخی متون، به دلیل ساختار یا محتوای خاص، برای نقدهای خاصی مناسب ترند. نقد اجتماعی-تاریخی به عنوان رویکردی جامع پیشنهاد می شود که، علاوه بر جنبه های زیبایی شناختی، به محتوای آثار و نقش آن ها در تقویت یا تضعیف ساختارهای قدرت می پردازد. این نقد، با بررسی جایگاه اثر در تاریخ و جامعه، مشخص می کند که آیا اثر از نیروهای خلاق و مولد حمایت می کند یا به دفاع از اشرافیت، سنت یا ساختارهای سرکوبگر می پردازد. این جامعیت نقد اجتماعی-تاریخی را از سایر رویکردها متمایز می کند.

● آیا نقد ادبی در ایران توانسته، با ارائه بازخوردهای سازنده، نویسندگان را به خلق آثار با کیفیت تر ترغیب کند، و چگونه این نقدها بر بهبود جنبه های تکنیکی و معرفتی آثار ادبی تأثیر گذاشته اند؟

نقد ادبی می تواند، با ارائه بازخوردهای سازنده، نویسندگان را به خلق آثار بهتر ترغیب کند. نقدهایی که به جنبه های تکنیکی (مانند شخصیت پردازی یا روایت) یا معرفتی (مانند ایدئولوژی اثر) می پردازند می توانند کیفیت آثار را بهبود بخشند. برخی نویسندگان از نقد استقبال کرده و توانسته اند سبک خود را اصلاح کنند یا آثار قوی تری خلق کنند، برای مثال، جریان هایی مانند سیال ذهن یا ادبیات مدرن، با تأثیرپذیری از نقد، به خلق آثار برجسته ای منجر شده اند. بااین حال، تأثیر نقد به پذیرش نویسندگان بستگی دارد، زیرا برخی هنرمندان، به دلیل روحیه خاص خود، از نقد استقبال نمی کنند.



۴شنبه
۱۷ اردیبهشت ۱۴۴۴
۹۱ تیرماه ۱۴۴۴
شماره ۲۲۲

۱۰



فرهنگ و ادبیات

علی باقریان

دما ن^(۱) پیش ضحاک رفتی به جنگ

زدی بر سرش گرز^(۲) گاوزنگ^(۳)

یکایک^(۴) همی گرد^(۵) کِهتر^(۶) به^(۷) سال

ز سر تا به پیش کشیدی دوال^(۸)

بدان ز^(۹) دوستش چوسنگ^(۱۰)

نِهادی به گردن بَوش^(۱۱) پالِهنگ^(۱۲)

همی تاختی تا دماوندکوه

کشان و دوان از پس اندر^(۱۳) گروه^(۱۴)

بیپچید^(۱۵) ضحاک بیدادگر

بدرِ پدش از هَوَل گفتی جگر^(۱۶)

۱- دمان: خروشان، تازان، دوان. ۲- گرز: گرز، ابزاری جنگی- چوبی یا آهنین- که یک سر آن گرد و سنگین است. ۳- گاوزنگ: گاوماند، گاوپیکر، گاوسار، گاوسر، با سر گاو. ۴- یکایک: بی درنگ، یکی یکی، به دقت. ۵- گرد: دلاور. ۶- کِهتر: کوچک تر. ۷- به: از نظر. ۸- دوال: تسمه چرمی. ۹- ز: ریمانی که از درهم بافتن رود و گوسفند به دست می آید. ۱۰- چو سنگ: به سختی، محکم. ۱۱- در قدیم، گاه، دوبار حرف اضافه می آورده اند، یک بار پیش از کلمه یا عبارت و یک بار پس از آن. «به گردن بَوش» مجموعه‌ا، یعنی «بر گردن او». ۱۲- پالِهنگ: کمند، یوغ. ۱۳- بنگرید به بانوشت یازدهم، «از پس اندر»، مجموعه‌ا، یعنی «از پس». ۱۴- درحالی که ضحاک را کشان کشان می برد و سپاه در پی دوان بودند. ۱۵- بیپچید: بر خود پیچید، گرفتار شد. ۱۶- گویی از ترس زهره ترک شد.

ناشران مشهدی از کم و کیف حضور در نمایشگاه کتاب تهران و خوب و بد آن می گویند

در میان فرصت و هزینه

خادم



نمایشگاه کتاب تهران، بزرگ ترین رویداد ایران در حوزه کتاب است که همه ساله در اردیبهشت ماه برگزار می شود. این نمایشگاه، علی رغم نکات مثبت، همیشه با نقدهایی نیز همراه بوده است؛ برخی آن را صرفاً فروشگاه‌ی بزرگ می دانند نه آنچه به معنای واقعی نمایشگاه کتاب با کارکردهای آن است؛ برخی هم از جانمایی ها و مساحت غرفه ها گلایه دارند. جمع آوری برخی کتاب های دارای مجوز از نمایشگاه در برخی سال ها از دیگر مسائلی بوده که -به خصوص در فضای مجازی- بازخوردهای منفی زیادی از سمت اهل فرهنگ دریافت کرده است. پوستر نمایشگاه، از جمله پوستر امسال، نیز از نقدها برکنار نمانده است. نمایشگاه کتاب تهران از نظر استقبال ناشران و مردم هم فرازوفرودهایی داشته است. برخی سال ها پرفروغ بوده و برخی سال ها هم با امتناع ناشران و شماری از مردم مواجه بوده است. مسئله ای که در متن مسائل سیاسی و اجتماعی ایران قابل خوانش و فهم است.

امروز: ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴، سی و ششمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران آغاز به کار می کند. به همین مناسبت، با چهار ناشر مشهدی درباره کم و کیف حضورشان در نمایشگاه و فرصت و اهمیت آن صحبت کرده ایم. حضور در نمایشگاه کتاب تهران برای ناشران غیرتهرانی کمی متفاوت تر، سخت تر و البته پرهزینه تر است، این امر نیز از مسائلی بوده که درباره آن با ناشران صحبت کرده ایم.

● نمایشگاه کتاب تهران دیگر یک رویداد فرهنگی نیست

مهدی نصیرزاده، مدیر نشر «مردنیز» و رئیس اتحادیه ناشران خراسان رضوی، درباره فرصت نمایشگاه کتاب برای ناشران غیرتهرانی می گوید: «حضور در نمایشگاه بی تأثیر نیست، اما، با توجه به شرایط کنونی، چندان تعریفی هم ندارد. می دانید که شرکت در نمایشگاه فقط به بحث فروش مربوط است، برای اینکه از حالت رویداد فرهنگی خارج شده است؛ در اصل، یک فروشگاه است. در صورتی که خیلی از نمایشگاه های معتبر اصلاً بحث فروش ندارند. وقتی فروش نباشد، فرصتی فراهم می شود برای معرفی ناشر و ملاقات با اصحاب قلم، البته نمایشگاه کتاب ۱۰ روزه جنب و جوشی در فضای کتاب ایجاد می کند که این هم حسنی است. البته رویکرد ناشر برای حضور در نمایشگاه هم مهم است، اگر صرفاً بخواهید هزینه و فایده کنید، شاید گاهی وقت ها اقتصادی نباشد، اما، وقتی جنبه دیگری را هم در نظر داشته باشید که ارتباطی با مراکز پخش یا با نویسندگان و مترجمان برقرار کنید، شاید از این جهت مثبت باشد. بخشی از ناشران هم برای اینکه کالانشان زودتر به نقدینگی تبدیل شود در نمایشگاه شرکت می کنند. این را هم بگویم که نمایشگاه مجازی در خیلی جاها بُردش از نمایشگاه حضوری بیشتر بود. ما در نمایشگاه مجازی مشتریانی داشتیم از شهرها و روستاهای دورافتاده که این خودش به نوعی عدالت بود، چون همه می توانستند کتابی را که می خواستند تهیه کنند، بدون اینکه هزینه زیادی برای رفت و آمد و اقامت در تهران بپردازند.

غرفه نشر «مردنیز» در نمایشگاه کتاب تهران امسال حدود ۱۲ متر است و ناشر با حدود ۸۰ عنوان کتاب که چند عنوان آن تازه منتشر شده است در نمایشگاه شرکت می کند. نصیرزاده درباره چیشت و جانمایی غرفه ها می گوید: «در چند سالی که من در نمایشگاه حضور داشته ام، چیشت و جانمایی غرفه ها براساس حروف الفبا بوده است. حالا ممکن است چند غرفه جابه جا شود یا غرفه ای را به ابتدا یا انتها ببرند. البته سازوکارها باید اصلاح شود و از الگوهایی مانند نمایشگاه کتاب فرانکفورت استفاده شود.

او یادآور می شود که برای حمایت از ناشران غیرتهرانی ۵۰ درصد در هزینه غرفه به آن ها تخفیف داده اند.

● نمایشگاه دیگر حتی فرصتی برای معرفی کتاب نیست

محسن خوافی، مدیر انتشارات «ترانه»، نمایشگاه را فرصت خوبی نمی داند و می گوید: «هزینه ها خیلی بالاست و به نظر من حضور در نمایشگاه فایده ای ندارد. ما هم، چون ناشر پرنده ای شده ایم که دنبال کتاب هایمان می آیند، در نمایشگاه شرکت می کنیم. با این حال، چندان با رغبت شرکت نکرده ایم و فقط یکی از کارکنانم در تهران را برای حضور در غرفه

گذاشته ایم و خودمان از مشهد به تهران نمی رویم؛ چون سودی هم برای ما ندارد. الان دیگر مانند سابق نیست که فروش ها بالا بود و شرکت در نمایشگاه ارزش داشت؛ الان کتاب خیلی گران شده و مردم هم آن استطاعت مالی سابق را ندارند و در مجموع به نظرم شرکت در نمایشگاه، به ویژه برای ناشران غیرتهرانی، خوب نیست.»

او بر این باور است که نمایشگاه دیگر حتی فرصتی برای معرفی کتاب های تازه هم نیست؛ «نمایشگاه برای معرفی کتاب هم چندان اثرگذار نیست، چون فضای مجازی هست و مردم بیشتر کتاب هایشان را در فضای مجازی انتخاب می کنند، مگر آدم هایی که حرفه ای کتاب هستند و می آیند و کتاب ها را بررسی و انداز و رانداز می کنند که این هم خیلی کم است.» مدیر انتشارات «ترانه»، درباره حمایت از ناشران غیرتهرانی می گوید: «حمایتی از ناشران غیرتهرانی نمی شود و من تا به حال ندیده ام. نمایشگاه جای خوب و بد دارد، جای بررفت و آمد و جای کم رفت و آمد دارد. حتی برای ناشران غیرتهرانی جای خوبی در نظر نمی گیرند که به جبران هزینه ها کمک کند؛ به ترتیب حروف الفبا می دهند، اما به نظر من خوب نیست.» طبق اظهارات خوافی، انتشارات «ترانه»، علاوه بر عناوینی که تجدید چاپ شده اند، چهار عنوان کتاب جدید در نمایشگاه کتاب عرضه می کند.

● برخی ناشران بهترین و بزرگ ترین غرفه ها را حق خودشان می دانند

عباس قدسی، مدیر نشر «سپیده باوران»، درباره فرصت نمایشگاه کتاب برای ناشران غیرتهرانی می گوید: «نمایشگاه کتاب تهران، چه برای ناشر تهرانی و چه ناشر دیگر شهرها، فرصت مناسبی است، ولی به شرط اینکه سری مشکلاتش مرتفع و نمایشگاه کیفی تر بشود؛ اگر این طور نباشد، نمایشگاه محیط خسته کننده ای می شود که رفق شما را برای بازدید مؤثر از غرفه ها و آشناشدن با کتاب های جدید و با نویسندگان و مؤلفان می گیرد، و در عمل همان روز اول نفس شما بریده می شود.» او درباره مشکلات نمایشگاه کتاب می گوید: «یک مسئله این است که بخش اعظمی از نمایشگاه را ناشران -به تعبیر من- بسازنفروش اشغال کرده اند، ناشرانی که پخته خواری می کنند و عناوین مشهور را با ترجمه های نامعتبر و چاپ های بی کیفیت و قیمت گذاری های غیرمنطقی به فروش می رسانند. روای هم داشتند که همیشه در غرفه هایشان کتاب ها را با تخفیف های بالا، مثلاً تخفیف ۵۰ درصدی، عرضه می کردند که، اگر اشتباه نکنم، در یکی-دو سال اخیر نمایشگاه جلو این ماجرا را گرفته باشد و این ها دیگر امکان چنین هنرنمایی ای نداشته باشند. بخش عمده نمایشگاه را این ها اشغال کرده اند، یعنی باید کلی در نمایشگاه قدم بزنی و ازدحام جمعیت را تحمل کنی تا بررسی به غرفه ای که ارزش درنگ کردن



می گوید: «اساساً، اینکه شما یک رویداد یا گردهمایی ملی برای یک صنف در مرکز کشور طراحی کنید که در واقع در معرض نگاه یک کشور قرار بگیرد، درباره هر صنفی امر پسندیده ای است. نمایشگاه کتاب رویداد و اتفاق فرهنگی است که حتی جنبه سیاحت فرهنگی در فضای شهر تهران و کشور را دارد و به نفع ناشران غیرتهرانی است. ما هنوز در کشورمان دسترسی به مراکز فرهنگی بزرگ داخل تهران را برای همه فراهم کنیم، طبیعتاً، یک ناشر شهرستانی در اینجا می تواند فضایی در اختیار داشته باشد که مستقیم با مخاطب و مردمی که از اقصانقاط ایران به نمایشگاه می آیند ارتباط برقرار کند. نمایشگاه فرصت و مزیتی است برای دیده شدن کمتر دیده شده ها و پرداختن به کتاب هایی که احتمالاً به دلیل تعدد کتاب های برنامه و نشان دچار یک نوع محدودیتی شده اند.»

مسعود فرزانه از مساحت و جانمایی غرفه «به نشر» نیز رضایت نسبی دارد و می گوید: «فضایی که ما درخواست کرده بودیم حدود ۱۰۰ متر بود و چیزی که به ما اختصاص دادند حدود ۸۰ متر است. جانمایی اولیه ما غیرمناسب بود و پس از پیگیری ها و رایزنی هایی که کردیم جانمایی مان بهتر شد. اما جانمایی اول مورد قبول ما نبود و اعتراض کردیم که تغییر کرد.»

«به نشر» ناشری است که با اختلاف بیشترین عنوان کتاب را در نمایشگاه عرضه می کند. فرزانه در این باره بیان می کند: «امسال با ۸۳۵ عنوان کتاب در نمایشگاه شرکت می کنیم. از این تعداد، ۲۸۶ عنوان بزرگ سال است و ۵۴۹ عنوان هم کودک است. در مجموع، ۱۰۶ عنوان چاپ اولی است که نخستین بار در نمایشگاه سی و ششم عرضه می شود. به طور متوسط، ما حدود ۲۵۰ اثر پرفروش داریم که این تعداد هم تجدید چاپ شده و در نمایشگاه عرضه می شوند.»

او درباره حمایت از ناشران غیرتهرانی نیز چنین دیدگاهی دارد: «من اطلاعی از حمایت های دولت جدید ندارم، طبیعتاً، چرخه نشر در کشور چرخه ای است که به حمایت و تسهیلگری دولت نیاز دارد، اما، به نظر من، ما، به جای اینکه بخواهیم با پرداخت بارانه مستقیم به یک صنف یا مصرف کننده، کتاب را پرتیراژ کنیم، بایستی فضای مطالعه و علاقه و فرهنگ مطالعه را با شیوه های نوین و روزآمد در کشور بهبود ببخشیم و اصلاح کنیم یا ارتقا بدهیم.

خود این به طور طبیعی چرخه نشر را تقویت می کند، و به طور طبیعی در این بازی همه برنده اند. البته وجود فضای مجازی کمک زیادی به ناشران شهرستانی می کند که فروششان منوط به حضور کتابشان روی پیشخوان های خیابان انقلاب یا کریم خان تهران نباشد. شما می توانید از طریق اینستاگرام یا سایر شبکه های اجتماعی کتابتان را عرضه کنید.»

● نمایشگاه فرصت خوبی برای صنف ماست

مدیرعامل انتشارات «به نشر» (انتشارات آستان قدس رضوی)، از میان چهار ناشری که با آن ها صحبت کردیم، تنها ناشری است که می اما و اگر نمایشگاه را فرصتی مناسب و خوب می داند. او

